

پنج‌شنبه اول مرداد ۱۴۰۵ | ۸ صفر ۱۴۴۸

گزارش یک مهساگریندی

داغ میناب تازه‌شده، گویی قرار نیست این داغ هیچ‌زمانی کهنه شود. می‌دانستیم پذیرفتن این مصیبت، سسال‌ها زمان می‌خواهد، اما ماجرا فقط پذیرش این مصیبت نیست، بلکه زخمی است که بارها و بارها سر باز می‌کند. دختران و پسران مدرسه شجره طویه در یک روز پرپر شدند،اما خانواده‌هایشان هر روز دوباره پر پر می‌شوند. هر بار که قطعه‌ای از آوار این مدرسه کنار زده و تکه‌ای از پیکر نحیف فرزندانشان پیدا می‌شود، داغ تازه‌ای دل‌ها را می‌سوزاند. این داغ، از آن داغ‌هایی نیست که یک‌بار تشییعش کنی و برای همیشه به خاک بسپاری. دیروزوبعداز گذشت‌بیش از چهار ماه‌پس از مراسم تشییع شهدای مدرسه شجره طویه، میناب بار دیگر به نقطه آغاز بازگشت، در ست به همان روزی که مردم، فرزندان شهرشان را در دوش گرفتند و به خاک سپردند. همان روزی که هیچ پدر و مادری توان کنار زدن کفن فرزندش رانداشت، چراکه می‌دانست‌این، یک خداحافظی معمولی نیست. آخر کدام پدر و مادر می‌تواند به جای فرزندش، با پاهای تن او وداع کند؟!

بی‌شک دوازدهم اسفند، تلخ‌ترین روز زندگی خانواده‌های شهدای میناب بود، اما تلخ‌تر از آن تکرارش است. هر قطعه‌ای که از زیر آوار پیدا می‌شود، آن روز دوباره زنده می‌کند، تا زمانی که آخرین نشانه از پیکر این کودکان بی‌گناه به آغوش خاک برگردد.

■ **۶۲قطعه از پیکر مطهر شهدای دانش آموز** روز گذشته، پیکرهای مطهر و قطعات تفحص‌شده‌ای که طی هفته‌های اخیر در جریان کاوش‌های میدانی در مدرسه میناب و محدوده پیرامونی آن کشف‌شده‌بود، پس از طی مراحل تخصصی و انجام آزمایش‌های دی‌ان‌ای (DNA)، شناسایی و تفکیک شدند. این قطعات تازه‌تفحص‌شده با رعایت موازین شرعی، در آیینی معنوی و در مجاورت مزار هر شهید به خاک سپرده شد. این مراسم، ادامه روایتی بود که چهار ماه پیش آغاز شده و هنوز هم به پایان نر سیده‌است، روایتی که پس از گذشت ماه‌ها از وقوع این جنایت، همچنان در حافظه مردم میناب زنده مانده و اجازه فراموشی نمی‌دهد. حضور گسترده مردم در این آیین نیز گواه آن بود که یاد شهدای مدرسه شجره طویه،برای مردم این شهر تنها یک منسبت تقویمی نیست، بلکه بخشی از زیست و هویت آنان است. محمد رامهر، فرماندار شهرستان میناب، با حضور در این مراسم توضیح داد: «طی چندین هفته عملیات مستمر و دقیق تفحص در محل مدرسه و محیط اطراف آن، ۲۰ قطعه از پیکر مطهر شهدای دانش آموز کشف شد.»او با اشاره به روند علمی شناسایی این قطعات افزود: «پس از انتقال بقایای کشف‌شده و انجام آزمایش‌های تخصصی ژنتیکی (DNA)، مشخص‌شد این قطعات متعلق به ۲۲ دانش‌آموز شهید مدرسه شجره طویه شهرستان میناب است که در جریان تجاوز دشمن به شهادت رسیدند.»

■ **۴ ماهه جست‌وجو** عطاالله ناوکی، مدیر کل بنیاد شهید و امور ایثارگران

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۲۳۳۸۸۵

میناب دوباره گریست، ماکان پیدا نشد!

پایان ندارد این داغ

۶۲ قطعه از پیکر مطهر ۳۲ دانش آموز شهید مدرسه شجره طویه کشف و تشییع شد



عباس ذاکری امهر

هر مژگان نیز در رابطه با این مراسم تشییع گفت: «پس از بیش از چهار ماه تلاش و انجام عملیات‌های مستمر تفحص، ۶۸ قطعه از اعضای پیکر مطهر ۳۴ شهید که پیش‌تر به خاک سپرده‌شده‌بودند، شناسایی و برای الحاق به پیکرهای پاکشان آماده شد.»

او بابیان اینکه این عملیات پس از چهار ماه تلاش بی‌وقفه در محل حادثه به سرانجام رسید، افزود: «پس از ارسال نمونه‌ها به مراکز تخصصی ژنتیک و احراز هویت قطعی، با همکاری شورای تأمین و رضایت خانواده‌های معطم شهدا، مقدمات الحاق این بقایا به پیکرهای پیشین فراهم شد تا پیکر مطهر شهیدان، کامل‌تر از گذشته در آغوش گلزار شهدای میناب آرام گیرد.»

ناوکی ادامه داد: «چهار پیکر که به صورت نیمه‌سوخته و در مجاورت مزار هر شهید به خاک سپرده‌شده‌بود، پس از انجام آزمایش‌های تخصصی ژنتیکی و احراز هویت قطعی، با همکاری شورای تأمین و رضایت خانواده‌های معطم شهدا، مقدمات الحاق این بقایا به پیکرهای پیشین فراهم شد تا پیکر مطهر شهدای دانش آموز کشف شد.»او با اشاره به روند علمی شناسایی این قطعات افزود: «پس از انتقال بقایای کشف‌شده و انجام آزمایش‌های تخصصی ژنتیکی (DNA)، مشخص‌شد این قطعات متعلق به ۲۲ دانش‌آموز شهید مدرسه شجره طویه شهرستان میناب است که در جریان تجاوز دشمن به شهادت رسیدند.»

■ **حافظه‌ای که فراموش نمی‌کند**

این مراسم اما، فقط روایت یک عملیات تفحص و شناسایی علمی نبود. برای مردم میناب، تشییع دوباره این قطعات، یادآور زخمی بود که هنوز التیام نیافته‌است، زخمی که به باور آنها، نباید در گذر زمان سپرده‌شود. در این رابطه احمد نفیسی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار هرمزگان، با قدردانی از حضور گسترده مردم

در این آیین گفت: «این تشییع، تنها بازگرداندن پیکرها نیست، بلکه تأکیدی دوباره بر حافظه تاریخی ملت است که جنایت عامدانه دشمن در به خاک و خون کشیدن کودکان بی‌گناه مدرسه شجره طویه را هرگز فراموش نخواهد کرد.»

او ادامه داد: «حضور مردم میناب در این مراسم، پاسخی کوبنده به دشمنانی است که گمان می‌کردند با گذشت زمان، این داغ به فراموشی سپرده خواهد شد، اما امروز بار دیگر ثابت شد خون این شهیدان، ریشه‌های شجره طویه انقلاب را در این خطله مستحکم‌تر کرده‌است.»

■ **ما ایستاده‌ایم**

در حاشیه مراسم تشییع ۶۲ قطعه از پیکر شهدای دانش آموز مدرسه «شجره طویه»، جوانی ۲۳‌ساله از میناب، این مراسم را فراتر از یک آیین تدفین دانست و آن را نمادی از تداوم حافظه تاریخی مردم این شهر توصیف کرد.او گفت: «رای ما که با یاداین شهداقد کشیده‌ایم، آنها فقط نام‌هایی حک‌شده بر سنگ مزار نیستند؛ شناسنامه تشییع‌نشان داد خون آن ۱۶۸ معلم و دانش‌آموز هرگز نمی‌شود. بازگشت حتی همین قطعات کوچک، هرهمی بر زخمی طولانی است، حالا فرزندم در کنار دوستانش، در این خاک مقدس، آرام گرفت.است.»

■ **شهدای مظلوم میناب**

با وجود پایان مرحله‌ای از عملیات تفحص، هنوز همه انتظارها به سر نرسیده‌است. در میان نام‌عام‌کودک‌انی که

خیانت به سلامت با لاغری آمپولی

افرادی که به جای اصلاح سبک زندگی و تغذیه به سراغ استفاده از آمپول لاغری یا جراحی‌های آن می‌روند در بسیاری از موارد باید هزینه این ریسک بزرگ را با سلامت خود پرداخت کنند



به همین دلیل مصرف این داروها بدون نظارت پزشک و تخصص تغذیه می‌تواند سلامت فرد را به خطر اندازد.

اسماعیل زاده با بیان اینکه آمپول‌های لاغری معجزه و جادو نمی‌کنند، تأکید می‌کند: «کاهش وزن پایدار و سالم تنها از طریق یک رویکرد جامع شامل تغذیه علمی و متعادل، فعالیت بدنی منظم، اصلاح سبک زندگی و در صورت نیاز در میان دارویی تحت‌نظر متخصصان امکان‌پذیر است.» طبق توصیه این پزشک متخصص عموم مردم باید از مصرف خودسرانه این داروها جداً خودداری و پیش از هرگونه اقدام برای کاهش وزن، با پزشک متخصص و متخصص تغذیه مشورت کنند.

■ **خیانت به سلامت**

سید ضیاءالدین مطهری، متخصص تغذیه هم در گفتوگو با «جوان» ضمن تأکید بر اینکه استفاده از این داروها خیانت به سلامت جامعه است می‌افزاید: «کم کردن وزن سریع یک خیانت به افراد است و موجب می‌شود افراد در کوتاه‌زمانی پیر شوند و این وزنی هم که

روزنامه جوان | شماره ۲۶۵۳



قطعاتی از پیکرشان شناسایی و به آغوش خاک بازگشت، یک نام همچنان با انتظار گره خورده‌است؛ «ماکان نصیری»؛ کودکی که جست‌وجوبرای یافتن حتی نشانی از او، هنوز ادامه دارد. موضوعی که مجتبی قهرمانی، رئیس کل دادگستری هرمزگان بدان اشاره کرد و توضیح داد: «با وجود تلاش‌های بی‌وقفه چندین گروه تخصصی و انجام عملیات‌های متعدد جست‌وجو در محل مدرسه و مناطق پیرامونی آن طی هفته‌های اخیر، متأسفانه تاکنون هیچ بخشی از پیکر شهید «ماکان نصیری» کشف نشده‌است.» او ادامه داد: «بر اساس بررسی‌های دقیق کارشناسی و شواهد میدانی، موشک شلیک‌شده توسط نیروهای امریکایی، در لحظه اصابت، مستقیماً به محل حضور این کودک برخورد کرده‌است. همین موضوع موجب‌شده است که با وجود چندین مرحله جست‌جوی دقیق و تخصصی، تاکنون اثری از پیکر مطهر این شهید و الاقام به دست نیاید.»

رئیس کل دادگستری هرمزگان با اشاره به مظلومیت شهدای این حادثه، بار دیگر بر ضرورت پیگیری حقوقی و ثبت تاریخی این جنایت آشکار تأکید کرد.

■ **مادر ماکان هنوز چشم‌پره‌ا‌است**

هنوز یک مادر چشم‌انتظار مانده‌است، مادر ماکان. مادری که هنوز حتی نشانی از فرزندش به آغوشش بازنگشته است. شاید دلش می‌خواهد بار کند ماکان آن روز اصلاً در مدرسه نبوده، که اگر بود، لابد باید اثری از او پیدا می‌شد، اما مگر می‌شود؟ آخر خودش، آن صبح، فرزندش را راهی مدرسه کرده‌بود.

کناکه‌ترین بخش این روایت همین‌جاست، اینکه ما حتی تاب دیدن تصویر پیکرهای پاره‌پاره این کودکان را نداریم، اما مادر ماکان امروز، فقط پایان یک جست‌وجو نیست، بلکه هم‌زانی است، تکه‌ای از لباس، نشانی از پیکر، یا هر چیزی که بتواند انتظارش را پایان دهد، اما هنوز، سهم او تنها خاطره‌ای است که هر روز سرتیغ‌تر از دیروز بر دوشش می‌نشیند. جنایت نهم اسفند ۱۴۰۴، با حمله موشکی به مدرسه شجره طویه میناب، ۱۶۸ دانش‌آموز، معلم و عضو کادر آموزشی را به شهادت رساند، حادثه‌ای که در حافظه خیردادن با تلاش‌های علمی و آزمایش‌های دی‌ان‌آی قطعاتی از پیکر شهدا شناسایی و تفکیک شده‌است، انگار دوباره همان روز نهم اسفند برآیم زنده‌شد. این قطعات برای من فقط تکه‌ای از خاک نیستند، بخشی از وجود فرزندم هستند که حالا در کنار مزار اصلی‌اش آرام می‌گیرند.»

او با اشاره به جنایت دشمن در حمله به مدرسه شجره طویه افزود: «شمن گمان می‌کرد با آن حمله و خشونت، می‌تواند یاد فرزندان ما را از حافظه این سرزمین پاک کند، اما این تشییع‌نشان داد خون آن ۱۶۸ معلم و دانش‌آموز هرگز نمی‌شود. بازگشت حتی همین قطعات کوچک، هرهمی بر زخمی طولانی است، حالا فرزندم در کنار دوستانش، در این خاک مقدس، آرام گرفت.است.»

■ **شهدای مظلوم میناب**

با وجود پایان مرحله‌ای از عملیات تفحص، هنوز همه انتظارها به سر نرسیده‌است. در میان نام‌عام‌کودک‌انی که

سجاد آزادی

این کوران مصلحتی بی‌هنر!

هنر برای هنر یک نظریه زیبایی‌شناختی است که می‌گوید هنر نباید در خدمت هدفی بیرون از خود باشد؛ نه اخلاق، نه سیاست، نه دین، نه آموزش و نه تبلیغات. بر اساس این دیدگاه، ارزش هنر در زیبایی، خلاقیت و تجربه هنری آن نهفته است، نه در پیام یا کارکرد اجتماعی‌اش.

اسکار وایلد نویسنده همچنس‌با انگلیسی در این خصوص معتقد بود که هیچ کتابی اخلاقی یا غیر اخلاقی نیست؛ کتاب‌ها یا خوب نوشته شده‌اند یا بد، منظور او این بود که معیار قضاوت یک اثر هنری باید کیفیت هنری آن باشد، نه پیام اخلاقی یا سیاسی آن.

البته در برابر این نظر، اکثر نویسندگان معتقدند هنر نمی‌تواند از جامعه جدا باشد و باید مسئولیت اجتماعی داشته‌باشد. از دیدگاه آنان هنر باید به مسائل مردم بپردازد و هنرمند در برابر رنج، بی‌عدالتی و ظلم مسئول است. لئو تولستوی در کتاب هنر چیست، معتقد بود هنر باید احساسات انسانی و اخلاقی را منتقل کند و با هنر برای هنر مخالفت می‌کرد. نیچه هم در کتاب غروب بت‌ها مدعی است هنر از برای هنر نمی‌تواند وجود داشته باشد. ژان پل سارتر نظریه ادبیات متعهد را مطرح کرد و تأکید داشت نویسنده در برابر جامعه چیست، فضیلت، تربیت یا عدالت قرار می‌دهد و نویسنده هنر را وسیله‌ای برای تغییر آگاهی اجتماعی می‌داندست.

مشخص است که از نظر اسلام، نیز هنر معمولاً دارای رسالت اخلاقی، معنوی یا اجتماعی تلقی می‌شود. بر این اساس، هنر صرفاً برای زیبایی نیست، بلکه می‌تواند در خدمت حقیقت، فضیلت، تربیت یا عدالت قرار گیرد و از این‌رو، نظریه هنر برای هنر پذیرفته نمی‌شود و بر هنر متعهد یا هنر مسئول تأکید می‌شود.

در کشور ما اما به نظر می‌رسد برخی از هنرمندان بدون اینکه اصلاً با این نظرات هنری آشنا باشند فقط سعی دارند با هر قالی خود را از مسئولیت و اکثش نسبت به اتفاقات اجتماعی رها کنند مخصوصاً موضوعاتی که ممکن است برای آنها هزینه‌ای به همراه داشته‌باشند؛ واضح است که برای این افراد صحبت درباره طبیعت یا حیوانات خانگی و حتی مسئله حجاب یا فیلتر شدن سایت یک مجری فوتبال سختی ندارد ولی در حالی که کشور در جنگ با بت‌های غربی آنهاست، حتماً ترجیح می‌دهند سکوت اختیار کنند، حتی اگر مردم در حال تجربه کردن روزهای سختی باشند که مجبورند تکه‌های تازه شناسایی شده کودکان مینابی با خون دل به آغوش خاک می‌سپارند.

با وجود این، اما همه بی‌هتان به این کوری مصلحتی دچار نشده‌اند مثلاً پرویز پرستویی بازیگر عکسی از ماکان نصیری دانش‌آموز جاویدالآثر مینایی را استوری کرد و نوشت «می‌شه برای این خبر مرد، ۶۲ بخش دیگر از پیکر شهدای مدرسه میناب تفحص شد، اما ماکان هنوز مفقودا‌ست... تا ابد بر پهلوی و طرفدارانش لعنت...» یا محمد متمدنی خوانند عکسی از تدفین لاله‌های مینایی را استوری کرده و نوشته بود که «تکه‌های دیگری از بدن کودکان میناب که تازه پیدا شده‌بود، با ضربه‌های مادرانشون دفن شد، اما به اندازه یک شب فیلتر شدن یک وسایت در بین بخشی از هموطنان و چهره‌ها واکنش برانگیز نند، نه کشته شدنشون و نه دوباره پیدا شدن تکه‌هایی از بدنشون، چه حس خفگی کشنده‌ای! چه دنیای زشتی، چه پالماسکه وقیحانه‌ای و چه اپوزرسیون نمایی چندش‌آور.»

روایت دل‌تنگی

دنیاعیوضی

تهران پس از «او»

باور کنبد دلمان تنگ است. از همان روزی که آن قامت استوار از خیابان‌های تهران پر کشید، انگار شهر چیزی را گم کرده که دیگر هیچ کدام از میاهوی انبوهان‌ها و چراغ‌های رنگارنگ این پایتخت، جای خالی‌اش را پر نمی‌کند.

حس عجیبی است؛ انگار پدر این خانه بزرگ، بی‌خبر از خانه رفته باشد.

ما مانده‌ایم و دیوارهایی که دیگر آن صلابت همیشگی را ندارند. انگار آسمان تهران، حالا که دیگر رهبر شهید نگاهش بر سر این شهر نیست، کمی کوتاه‌تر شده‌است.

با خودمان می‌گوییم کاش آن روزها که در قاب تلویزیون بود، با وقتی صدای کلام از میخان خطبه‌های نماز جمعه در گوش شهر می‌پیچید، بیشتر گوش سپرده بودیم؛ کاش زودتر شناخته بودیمش، قبل از آنکه نبودنش، این‌همه بی‌پناهی را به رخ‌مان بکشد. حالا، همه‌چیز بوی حسرت می‌دهد؛ حسرت قدر دانستن لحظه‌هایی که در کنار ما بود و بی‌توجهی از کنارش گذشتیم. این حال غریب، قصه من، «رؤیا» بود. دو روز پیش، در حاشیه نمایشگاه عکس «روایت وداع»، جایی که مسئولیت چیدمان قاب‌ها با من بود، با او آشنا شدم. رؤیا از عکاسانی بود که در آن روزهای بدرقه رهبر شهید، لنز دوربینش را به قلب بغض تهران برده بود. وقتی داشتیم با احتیاط، یکی از بزرگ‌ترین قاب‌های تشییع را روی دیوار گالری تراز می‌کردیم، رؤیا ناگهان مکث کرد. نگاهش روی دست‌های برافراشته مردم در عکس ماند.

آرام، جوری که انگار می‌خواست رازی را با من در میان بگذارد، گفت: «این عکس‌ها برای من فقط یک رک رخداد نیست؛ این‌ها حس‌ها هستند اینها به هم میریزد در نهایت رفتارفته عوارض بلندمدت مصرف این داروها ظاهر خواهد شد.»

این پزشک متخصص با تأکید بر اینکه لاغری‌های آمپولی بر گشت‌پذیر است، می‌افزاید: «این داروها عوارض شدیدی دارد.»

بنا به تأکیدوی همیشه در حوزه پزشکی می‌اندیشند که آیا کاری که می‌کنند محاسنش به معایبش می‌چرد یا خیر؛ ولی اینجا مد روز و مطرح است و فردی برای رفتن به یک میهمانی می‌خواهد اضافه‌وزنی را که حاصل سال‌ها به‌رچوری و انباشت چربی است در چند ساعت از دست بدهد و این باعث می‌شود که تمام سیستم متابولیسم بدن افراد به هم‌خورد و بدن فکر کند در قحطی قرار گرفته‌است و به همین سبب تمام سیستم‌های خود را تغییر می‌دهد پس از مدت کوتاهی بدن به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر برع‌خوردن متوقف نمی‌شود و تمام وزن‌ها با بهره‌اش ولی می‌گردد و به‌صورت چربی انباشته می‌شود!

این متخصص با اشاره به آمار ۶۰درصدی چاقی در امریکا یا آمار بالای چاقی و اضافه‌وزن در کشورهای اروپایی می‌گوید: «بدون شک اگر راهکار مینابری برای لاغری وجودداشت در این کشورها که از نظر علمی و تکنولوژی پیشرفته‌هستند از آن استفاده می‌شود این همه‌با چاقی درگیر نبوده‌ند.»

■ **راهکارهای معقول تر**

«پیشگیری بهتر از درمان است» این جمله طلایی حوزه سلامت درباره چاقی و اضافه‌وزن هم صدق می‌کند. با وجود این، اگر قضا هم گرفتاری عارضه چاقی و اضافه‌وزن شده‌اید و با کاهش وزن به عنوان یک راهکار برای افزایش سلامت نگاه می‌کنید، بهتر است از روش‌های معقول‌تری همچون رژیم‌های اصولی و افزایش فعالیت بدنی و در یک کلام اصلاح سبک زندگی استفاده کنید یا بدون عارضه وزن کم کنید و هم به هدف ارتقای سلامت دست پیدا کنید.